

محله‌محوری و احساس تعلق به محله در بین ساکنان شهر تهران

منصور حقیقتیان^۱، رضا اسماعیلی^۲، سمیه کریمی زاده اردکانی^۳

چکیده

اداره‌ی کلان‌شهرها امروز به موضوعی مهم برای مدیران شهری تبدیل شده است. از مهم‌ترین مفاهیم در این زمینه، مفاهیم "مشارکت اجتماعی" و "احساس تعلق محله‌ای" شهروندان هستند که امروزه مدیران کلان‌شهرها در قالب دو نهاد سرای محله و شوراهای شهر سعی نموده‌اند تا به بارور شدن این دو مفهوم بپردازند. مطالعه‌ی حاضر به بررسی نقش محله‌محوری در ارتقای سطح تعلق شهروندان به محله‌ی زندگی‌شان پرداخته است. این پژوهش به صورت پیمایشی در چهار محله‌ی تهران و با ۴۰۰ نمونه -مستخرج از فرمول کوکران- انجام شده است. نظریه‌ی غالب استفاده شده در این پژوهش دورکیم و پارسونز و پاتنام است. نتایج نشان می‌دهد با نشأت‌گیری این طرح - محله‌محوری - از اخلاق مدنی، در اداره‌ی کلان‌شهر تهران مؤثر عمل نموده و با کنترل گرایش به رفتار نابهنجار در هویت محله تأثیرگذار بوده است و با القای حس تعلق و هویت محله‌ای موفق عمل نموده است و رضایتمندی اجتماعی مردم رابطه‌ی محکمی با محله‌محوری نشان داده است. میزان همبستگی محله‌محوری با احساس تعلق ۰,۸۰۲ بوده و محله‌محوری با رضایتمندی اجتماعی به میزان ۰,۹۶۳ و محله‌محوری با احساس مسئولیت به میزان ۰,۶۹۳ همبستگی نشان داده است.

^۱ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی دهاقان (نویسنده مسئول) haghighat@dehaghan.ac.ir

^۲ استادیار مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)

esmaili40@yahoo.com

skarimizadeh@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی دهاقان

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۶

تاریخ وصول: ۹۳/۹/۵

واژگان کلیدی: محله‌محوری، احساس تعلق، احساس مسؤلیت، مشارکت اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی

مقدمه و بیان مسأله

محله به‌عنوان یک مکان کالبدی و اجتماعی که می‌تواند شرایط مناسبی را برای افزایش مشارکت مردم و استفاده از توان جمعی آنان فراهم آورد. در بازتولید هویت محله، تقویت حافظه‌ی تاریخی محله، تقویت حس تعلق و مشارکت شهروندان در محله، ایجاد فضاهای عمومی و گفتگو بین شهروندان و حفظ سازمان محله‌ای بسیار مهم است. محله‌گرایی می‌کوشد تا نظم اجتماعی را برقرار سازد و امنیت اجتماعی، تفاهم و مشارکت مدنی تحقق یابد. مشارکت مدنی در سطح محله موجب وفاق اجتماعی گردیده و از بار تصدی‌گری دولت می‌کاهد. تشکل‌ها، انجمن‌های محلی و شورایی‌های محلات، حلقه‌ی ارتباطی میان مدیریت محلی و شهروندان هستند که در واقع به تمرین مشارکت مدنی در سطح محلی می‌پردازند و زمینه‌ی لازم برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی ساکنان در حل مسائل و چالش‌ها در سطح محلی را در نظام مدیریت شهری فراهم می‌آورند. موضوع محله‌محوری که اکنون تنها در کلان‌شهر تهران انجام می‌گردد و یکی از دلایل آن، کم بودن اعضای شورای شهر -در قبال جمعیت میلیونی تهران و مشکلات زیاد این کلان‌شهر - بوده، آیا پیامدهایش آن‌قدر به نفع شهروندان بوده که بتواند در کلان‌شهرهای دیگر ایران پیاده شود؟ کاستی‌های آن چیست؟ این موضوع با رویکرد جامعه‌شناختی مورد بررسی خواهد گرفت. مطالعات محققان در راستای جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که احساس مسؤلیت شهروندان، تعلق و هویت رسمی آنان به محله و شهرشان در کنار رضایتمندی اجتماعی درباره‌ی محله‌محوری قرار دارد و می‌تواند از پیامدهای اجتماعی محله‌محوری باشد. پژوهشگران با ترکیب دو شاخص سلامت شهری و توسعه‌یافتگی مناطق شهری تهران در ۴ سطح جداگانه‌ی (۱) توسعه‌یافته و (۲) نسبتاً توسعه‌یافته، (۳) توسعه‌ی متوسط و (۴) توسعه‌نیافته و از طرفی بالاترین و پایین‌ترین سطح رفاه و سلامت شهری مطابق با تعریف سازمان بهداشت جهانی به انتخاب منطقه ۱ و ۵ و ۴ و ۱۹ رسیدند و از میان این مناطق به صورت

تصادفی به محله‌های ازگل و جنت‌آباد و حکیمیه و خانی‌آباد اکتفا نمودند. در این تحقیق، محله‌محوری (که در نهاد سرای محله و شورایاری تمرکز یافته) متغیر مستقل است که رابطه‌ی آن با احساس مسؤولیت، احساس تعلق و هویت و رضایتمندی اجتماعی افراد محل، به عنوان متغیر وابسته در قالب سه فرضیه بررسی می‌شود.

ضرورت تحقیق

در جامعه‌ی ایران که زمانی مشارکت اجتماعی تنها در راستای شبکه‌های خونی و عشیره‌ای و قبیله‌ای تعریف می‌شده امروز الگوی جدیدی به نام شورایاری محلات و سرای محله جایگزین این ارتباط خونی و خاندانی شده است و رسالت و هدف چنین نهادی پیدایش حلقه‌ی واسط میان ساکنان و اجتماعات محلی و نهادهای مردمی و خُرد با نهادها و سازمان‌های دولتی است؛ از طرفی توجه داریم که وجود هزاران سازمان غیردولتی و غیرانتفاعی مشابه شورایاری (NGO) در کشورهای مرفعی در تمامی ابعاد، حاکی از آن است که بدون حضور مردم هیچ دولتی قادر به اداره‌ی امور کشور نخواهد بود. نقش واقعی محله‌محوری جذب اعتماد مردم محل است که به این واسطه، گران‌فروشی‌ها، کم‌فروشی‌ها، جلوگیری از تجاوز به حقوق دیگران، رفع نابسامانی‌ها، ایجاد فرصت‌ها، حل اختلاف‌ها و... نکاتی هستند که با کمک مردم و با برنامه‌ریزی مناسب می‌توان به همه‌ی آن‌ها رسیدگی کرد و محیطی لذت‌بخش برای همه به وجود آورد و این زمانی روی خواهد داد که با جذب اعتماد مردم از طریق گسترش خدمات به مردم، به آن جامعه‌ی عمل پوشانده شود.

به دلیل برخی چالش‌های ساختاری در تبیین نقش چنین نهادی و بی‌اعتمادی به آن هم از سوی نهادها و ارگان‌های دولتی و هم از سوی ساکنان و نهادهای محلی و اینکه کارکردهای شورایاری‌ها مختل و کم‌رنگ عرضه شده است بنابراین بازشناسی ضرورت طرح محله‌محوری و یافتن علل نقصان کارکردی آن و بررسی تأثیر آن بر ارتقای هویت محله‌ای ساکنان ضروری به نظر می‌رسد. تعامل دوسویه و مستقیم بین شهروندان و مسؤولان شهری موجب ایجاد مشارکت می‌شود و هراندازه مشارکت مردم در شهر بیشتر شود، حس تعلق آنان به شهر نیز افزایش می‌یابد. بنابراین، هدف اساسی مقاله‌ی

حاضر، بررسی تأثیر محله‌محوری بر میزان احساس تعلق محله‌ای ساکنان شهر تهران است.

پیشینه‌ی پژوهش

بهلول (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان "سنجش میزان هویت محله‌ای شهروندان تهرانی و عوامل مؤثر بر آن" با الهام از نظریه‌های دورکیم و زیمل به بررسی تأثیر برخی متغیرهای زمینه‌ای و اجتماعی بر جمیت محله‌ای نمونه‌ای از ساکنان شهر تهران پرداخت. نتایج پژوهش او نشان داد که میزان هویت محله‌ای شهروندان تهرانی در حد متوسط بود و متغیرهای زمینه‌ای، تأثیر چندانی بر هویت محله‌ای شهروندان تهرانی نداشت. میزان احساس تعلق به ساختمان محل زندگی در حد بسیار بالا و احساس تعلق به تهران و محله با اختلاف زیادی در رتبه‌های بعدی قرار دارد و سطح احساسی تعلق و تعهد شهروندان تهران نسبت به محله‌ی خود، در مقایسه با ابعاد شناختی و رفتاری، وضعیت مناسب‌تری داشت.

معید فر و مقدم (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "نقش هویت محله‌ای در کاهش و کنترل گرایش به رفتارهای نابهنجار در محله‌های شهر تهران" با اتخاذ رویکرد فضایی - اجتماعی با تلفیق نظریه‌های کنترل اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری، به بررسی رابطه‌ی بین هویت محله‌ای و کنترل اجتماعی که در نهایت به کاهش نابهنجاری اجتماعی در شهر می‌انجامد، پرداخت. یافته‌ها نشان داد هویت محله‌ای زمینه‌ی مناسبی برای رشد و ارتقای وابستگی، تعهد و مشارکت افراد در محله است و می‌تواند از طریق تقویت سه عنصر وابستگی، تعهد و مشارکت، احساس کنترل و نظارت اجتماعی را در محله بالا ببرد و مانع از گرایش افراد به ارتکاب رفتارهای نابهنجار در سطح محله شود. خود هویت محله‌ای در تهران با ضعف اساسی روبه‌رو است.

کلدی (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای با عنوان "بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری در منطقه‌ی ۷ تهران" با الهام از دیدگاه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مشارکت، به ابعاد مشارکت شهروندان و عواملی که بر نگرش آن‌ها از مفهوم مشارکت اثر خواهد گذاشت پرداخت. بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق، نگرش شهروندان از

مشارکت مبتنی بر کمک فکری و ارائه‌ی پیشنهاد بوده و تمایلی به مشارکت در حیطه‌ی عمل و اجرا نداشته‌اند. در این تحقیق میزان مشارکت با متغیرهای جنس، وضعیت تأهل، بعد خانوار، مدت‌زمان سکونت در محل و نیز احساس مالکیت بر اموال عمومی شهر ارتباط نشان می‌دهد. همچنین میزان مشارکت با میزان شناخت از فعالیت‌های در خدمت شهروندان و پایگاه اقتصادی-اجتماعی شهروندان ارتباط دارد.

وندرسمن^۴ (۲۰۰۸) به بررسی کیفی ابعاد نظری طرح مشارکت اجتماعی، رابطه‌ی مشارکت شهروندی و مراکز اجتماعات محلی پرداخته است. مهم‌ترین سؤالاتی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفت شامل: ویژگی‌های کسانی که مشارکت می‌کنند چیست؟ چرا این افراد مشارکت می‌کنند؟ چه کسانی مشارکت نمی‌کنند؟ ۲- نقش سازمان‌های محیطی و کانون‌های اجتماعی در ایجاد یک مشارکت اثربخش چیست؟ ۳- اثر انواع مختلف دیگر مشارکت چیست و چه سود و هزینه‌ای را بر عهده دارد؟ نتایج نشان می‌داد که ویژگی مشارکت‌کنندگان در افراد مجرد بیشتر است که علت اصلی آن تعریف راهکارها و مکانیزم‌های متناسب با نیازهای جوانان است.

هیدالگو و هرناندز^۵ در سال ۲۰۰۲ در پژوهشی با عنوان تعلق مکانی، پرسش‌های مفهومی و تجربی در اسپانیا انجام داده‌اند، به موضوع هویت محله‌ای پرداخته‌اند. آن‌ها در این تحقیق هم هویت مکانی را در سه سطح ساختمان، محل زندگی، محله و شهر مورد سنجش قرار داده‌اند و هم هویت اجتماعی و هویت کالبدی در مکان را در نظر گرفته‌اند. نمونه‌ی گرفته‌شده آن‌ها ۱۷۷ نفر از اهالی تنریف اسپانیا است. خلاصه‌ی یافته‌ها نشان می‌دهد که احساس تعلق در سطح و ابعاد مورد سنجش متفاوت است. از مهم‌ترین نتایج تحقیق این است که احساس تعلق به محله نسبت به سطح دیگر (ساختمان و شهر) ضعیف‌تر است. تعلق اجتماعی نسبت به تعلق کالبدی اهمیت بیشتری دارد و متغیرهای سن و جنس در میزان تعلق مکانی تأثیرپذیر است.

مبانی نظری تحقیق

4. Wandersman

5. Hidalgo & Hernandez

الف: نظریه‌های مشارکت

دو رویکرد متفاوت نسبت به مفهوم مشارکت اجتماعی وجود دارد. اول: رویکرد نظری مبادله: در این سنت فکری اصالت با سود و فایده و به حداکثر رساندن منفعت اقتصادی است؛ در واقع افراد زمانی دست به مشارکت و رابطه‌ی متقابل با دیگران می‌زنند که پاداش و یا تأیید اجتماعی بیشتری را دریافت کنند و در مقابل هزینه و آسیب کمتری را متحمل شوند. دوم: رویکرد نظری کسانی که بیشتر به مشارکت به عنوان یک عمل انسانی و یا یک پراتیک همگانی و نمونه‌ی یک ارتباط درست و سالم توجه دارند. در این دیدگاه اعتقاد بر این است که ارتباط و مشارکت افراد با یکدیگر یک ویژگی انسانی برای تحقق خلاقیت‌ها و توانایی‌های خود به عنوان موجودی عقلانی است که حیات اجتماعی انسان را از سایر موجودات متمایز می‌کند. در این دیدگاه تأکید بر گستره‌ی همگانی و حوزه‌ی عمومی است که بین زندگی خصوصی (خانوادگی) و دولت حایل قرار می‌گیرد و فضای اظهار نظر به گونه‌ای آزادانه و آرمانی و بحث و گفتگو و چاره‌اندیشی در مورد مسائل همگانی است. هر کس بالقوه، حق شرکت و قدرت در این فضا را دارد و به گونه‌ای نظری و آرمانی کسی را امتیازی نسبت به دیگری نیست. در واقع در این دیدگاه، مشارکت صرفاً امری اقتصادی نیست بلکه امری انسانی و حق هر شهروند در تعیین سرنوشت اوست. نماینده‌ی برجسته‌ی این دیدگاه در زمان معاصر هابرماس است.

* **هابرماس و مشارکت اجتماعی:** هابرماس فضایی را که کنش ارتباطی در آن صورت می‌گیرد حوزه عمومی می‌خواند. زمانی که شهروندان درباره‌ی مسائل مورد علاقه‌ی عمومی و منافع عمومی به گونه‌ای آزاد و بدون قید و شرط یعنی با تضمین آزادی اجتماعات و انجمن‌ها، آزادی بیان و چاپ نشر افکار، با یکدیگر مشورت می‌کنند در واقع به صورت پیکره‌ی عمومی رفتار می‌کنند (نوذری، ۱۳۸۱: ۳۲۲). هابرماس بر رابطه‌ی شکل‌گیری هویت جمعی تأکید کرده که شکل‌گیری هویت را اساساً فعالیتی جمعی و توأم با بحث و گفتگوی استدلالی از سنت و فلسفه می‌داند. عمل و گفتار جمعی می‌تواند علائق جمعی و هویت جمعی را شکل دهد. از نظر هابرماس مهم‌ترین ابزار واسطه‌ای

میان دولت و افراد جامعه، سازمان‌ها و مجامع مدنی می‌باشند که به‌عنوان پتانسیل جامعه برای تحقق دموکراسی تلقی می‌شوند. زیرا دموکراسی منوط به مشارکت شهروندان است و مشارکت شهروندان نیز در قالب چنین انجمن‌هایی امکان‌پذیر است (هابرماس، ۱۳۸۰: ۹۲-۱۲۱).

شرکت مردم در آنچه در محل زندگی‌شان به وقوع می‌پیوندد نشان از کنش مردم است و به نوشته‌ی بلومر کنش پیوسته است. نهاد خانواده، مجادلات در مجلس و خدمات در کلیسا - که طبیعتاً شورای محل نیز از آن جمله است - نمونه‌هایی از کنش پیوسته است که به‌عنوان یک واقعیت بیرونی و در معنای کامل واقعیتی که دارای اصالت جمع است و برای شناخت آن هیچ نیازی به رجوع به افراد نیست، مورد نظر است. این نهادها ساخت‌های پایداری هستند که قوانین مختص خود را دارند و می‌توانند به‌عنوان واقعیتی خارجی، اصیل و واحد مورد مطالعه قرار گیرند و هم بر اجزای تشکیل‌دهنده خود تسلط، احاطه و کنترل داشته و همیشه فراتر از مجموع افراد تشکیل‌دهنده‌ی خود عمل کند (ریترز، ۲۰۱۱: ۴۳۶؛ تنهایی، ۱۳۸۳: ۴۵۵).

مشارکت ماکس وبر در شهرها نیز در این مباحث جای دارد؛ تأکید بر توسعه و مشارکت شهری به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در تشکیل شهر به‌عنوان یک اجتماع کامل است تا جایی که اخیراً مشارکت شهری در فرهنگ جدید توسعه، جایگاه خاصی یافته و یکی از ویژگی‌های جوامع مدرن محسوب می‌شود (پالن، ۲۰۱۱: ۲۴۷؛ پاپلی و رجبی، ۱۳۸۲: ۲۹۵).

ب: نظریه‌ی حکومت محلی و شهروندسازی

* **نظریه‌ی زیمل:** در نظریه‌ی بزرگ شهر و حیات ذهنی می‌خوانیم که زیمل به یکی از مهم‌ترین حقایق و ویژگی‌های دوران مدرن یعنی آثار منفی شهرهای بزرگ بر حیات فکری (خصوصاً بعد عاطفی آن) اشاره می‌کند و قبل از همگان خطرهای ناشی از ازخودبیگانگی عاطفی را برمی‌شمارد، پس ضروری است که برنامه‌ریزان شهری با تدابیر جامعه‌شناختی و روان‌شناسانه، اصول بنیادین نظام اجتماعی - فضایی شهر را خصوصاً درباره‌ی طراحی و ساخت شهر به سمت و سویی سوق دهند که موجبات رشد عاطفی

شهروندان فراهم شود (پاپلی و رجبی، ۱۳۸۲: ۳۰۵ و ۱۱۰ و ۲۳۶)

* **جین جیکوبز (نظریه‌ی مراکز شهری پویا و زنده):** جین جیکوبز از اندیشمندان صاحب‌نام مسائل شهری، اعتقاد دارد که تمرکز باعث شکل‌گیری روابط و علائق اجتماعی و انسانی می‌شود، پس در ساماندهی‌های شهری به جنبه‌های جمعیتی و اقتصادی توجه خاص دارد و در برقراری نظم و ساماندهی به جامعیت، قابلیت انعطاف، ریتم، توانایی سنجش و اندازه‌گیری توجه می‌کند. او حضور افراد را زمینه‌ساز برقراری انواع کنش‌های متقابل دانسته که برای رفع نیازمندی‌های اجتماعی، عاطفی انسان‌ها آن‌ها را مؤثر می‌داند. از نظر او شهر یک ارگانیک اجتماعی متشکل از واحدهای زنده است. او خواهان توقف تفکیک عملکردها در طراحی شهری است و اهمیت زیادی برای خیابان‌ها از جهت بار اجتماعی - فرهنگی و عاطفی قائل است و معتقد است با فراهم آوردن عرصه‌های بالقوه‌ای از امکان برقراری روابط متقابل اجتماعی و گستره‌ای از رفتارهای گوناگون می‌توان به مراکز شهری معنا بخشید. مسلماً این معنا بخشی به مراکز شهری، به هویت شهری کمک خواهد نمود. (جیکوبز، ۱۳۹۲: ۹۳)

ج: نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی

* **رابرت پاتنام:** سرمایه‌ی اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشد. سرمایه‌ی اجتماعی نیز مانند سایر سرمایه‌ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخص را فراهم می‌کند که بدون آن غیرقابل دسترس خواهند بود (پاتنام، ۱۳۸۹: ۲۸۵)

پاتنام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی می‌داند. از نظر وی اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در یک جامعه بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. همکاری نیز به‌نوبه‌ی خود اعتماد را ایجاد می‌کند؛ به این ترتیب هرچه سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر استفاده شود به جای استهلاک و کاهش، بیشتر افزایش خواهد یافت. از نظر پاتنام هرچه تعامل میان افراد بیشتر باشد، آن‌ها اطلاعات بیشتری درباره‌ی یکدیگر به دست آورده و انگیزه‌های بیشتری برای اعتماد پیدا می‌کنند. در مجموع پاتنام منابع سرمایه‌ی اجتماعی را

اعتماد، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های افقی تعامل می‌داند که دارای ارتباطات درونی، خود تقویت‌کننده و خود افزایش‌دهنده می‌باشند. بنابر اعتقاد پاتنام ویژگی بازتولیدی سرمایه‌ی اجتماعی به تعامل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه اجتماعی منجر می‌گردد. وی همچنین اضافه می‌کند که نبود این ویژگی‌ها در برخی از جوامع عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب و حيله و بهره‌کشی، انزوا، بی‌نظمی و رکود را به دنبال خواهد داشت (هارالامبوس و هالبورن، ۲۰۰۸: ۴۵۱؛ پاتنام، ۱۳۸۹: ۲۹۰)

* **فوکویاما:** سرمایه‌ی اجتماعی را به‌سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه‌ی معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری میانشان مجاز است در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه‌ی اجتماعی نمی‌گردد، چرا که ممکن است ارزش‌ها منفی باشند. هنجارهایی که سرمایه‌ی اجتماعی را تولید می‌کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهد و ارتباطات دوجانبه باشد (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۲۴۵). فوکویاما معتقد است سرمایه‌ی اجتماعی متعلق به گروه‌هاست نه افراد و هنجارهایی که شالوده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنا دارد که بیش از یک نفر در آن سهیم باشد. فوکویاما معتقد است جوامع مدرن به‌جای اینکه درصدد باشند که اخلاق اعضایشان را بهبود بخشند، در جست‌وجوی تأسیس نهادهایی چون حکومت متکی بر قانون اساسی و مبادله مبتنی بر بازار آزاد هستند تا رفتارهای اعضای خود را نظام‌مند کنند (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۳)

* **جیمز کلمن:** مانند بورديو مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را از اقتصاد به جامعه‌شناسی آورد.

سرمایه‌ی اجتماعی مانند سرمایه‌ی فیزیکی و سرمایه‌ی انسانی کاملاً تعویض‌پذیر نیست. به نظر کلمن سازمان اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی را پدید می‌آورد و دستیابی به هدف‌هایی را که در نبود آن نمی‌توانست به دست آید یا با هزینه‌ی زیادتری ممکن بود به دست آید، تسهیل می‌کند (کلمن، ۱۳۸۶: ۴۶۲، ۴۶۴) اشکال سرمایه‌ی اجتماعی از دیدگاه کلمن شامل (تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و

ضمانت‌های اجرایی، روابط اقتدار، سازمان اجتماعی اقتدارپذیر (کلمن، ۱۳۸۶: ۴۹۰) مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی برای کلمن وسیله‌ای برای تبیین نحوه‌ی همکاری و افراد با یکدیگر است. از نظر وی سرمایه‌ی اجتماعی یک منبع است زیرا متضمن شبکه‌های مبتنی بر اعتماد و ارزش‌های مشترک است (فیلد، ۱۳۸۸: ۸۵)

در فرضیه‌های اول و دوم تحقیق حاضر که احساس مسئولیت شهروندی و احساس تعلق را در نظر گرفته اند، از نظریه‌ی دورکیم (وجدان جمعی و همبستگی) استفاده شده است. بر اساس نظر دورکیم هنگامی که شهروندان نسبت به محیط اجتماعی خود احساس تعلق نمایند، شرایط لازم برای اجتماعی اخلاقی فراهم می‌شود و با افزایش تعلق اجتماعی مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۸)

در فرضیه سوم، رضایتمندی اجتماعی در قالب نظریه‌ی پارسونز قرار می‌گیرد که کنشگران برحسب گرایش به "ارضای مطلوب" برانگیخته می‌شوند. بر اساس تئوری‌های رفتارگرایی اجتماعی، هرچه فرد از خدمات و امکانات محیط زندگی خود رضایت داشته باشد، میزان گرایش او به آن محیط و همچنین مسئولیت‌پذیری وی افزایش خواهد یافت. رابرت دال در مطالعه‌ی خود به نقش پاداش و رضایت از عمل مشارکتی و نقش آن در مشارکت بیش‌تر افراد تأکید نموده است.

روش تحقیق

اطلاعات مورد نظر در قسمت کمی مطالعه با استفاده از فن پرسشنامه و از طریق مصاحبه ساختمند گردآوری شده؛ نمونه‌گیری تصادفی (رایج‌ترین شیوه‌ی گردآوری نمونه) بوده و کلیه‌ی افراد بالای ۲۰ سال را شامل می‌شود. با کمک پلان اصلی و نقشه‌های نظام ارتقاعی تهیه شده از هر یک از محلات تعداد تقریبی واحدهای مسکونی در این بلوک‌ها توسط پژوهشگر محاسبه شده است. به منظور برآورد حجم بهینه‌ی نمونه با استفاده از فرمول کوکران برای محاسبه‌ی پارامترهای مورد نظر در فرضیه‌های تحقیق پس از انجام یک مطالعه‌ی مقدماتی و برآورد پراکندگی متغیرهای مورد مطالعه در نهایت

مقادیر ۰,۵ و ۰,۵ برای p و q در نظر گرفته شد. سطح اطمینان برابر $0,95$ ($t = 1,96$) تعریف شده مقدار d یا دامنه‌ی خطای برآورد پارامترها $0,05$ در نظر گرفته شد. به این ترتیب حجم نمونه‌ی بهینه برای جامعه‌ی آماری که تعداد کل آن $153,480$ نفر (جمعیت محلات موردسنجش) بوده برابر با $383/2$ به دست می‌آید که محققان برای اطمینان بیشتر این عدد را 400 نمونه ارتقا داده‌اند. سؤالات متغیر مستقل و وابسته به صورت طیف ارائه گردیده‌اند. برخی سؤالات نیز به صورت زمینه‌ای به ویژگی‌های عینی افراد اشاره دارد. لازم به ذکر است که تکمیل پرسشنامه بر پایه‌ی پرسیدن سؤالات از پرسشگر بوده است. با توجه به مطالعات انجام‌شده نمونه‌گیری مناسب برای این پژوهش، نمونه‌گیری تصادفی تشخیص داده شد. در این نمونه‌گیری محله به 4 واحد و هرکدام را از این 4 واحد به 4 واحد فرعی تقسیم شدند. در اینجا با انتخاب محله، پلاک‌ها از 1 تا 20 شمارش شدند و یکی به صورت تصادفی انتخاب و سپس 5 واحد همسایگی کنار هم مورد بررسی قرار گرفتند. سپس 20 واحد همسایگی شمرده شده و بعد 5 واحد کنار هم مورد بررسی قرار گرفتند.

برای حصول اطمینان از پایایی ابزار سنجش، پرسشنامه‌ی مقدماتی تنظیم شده که توسط 30 نفر از پاسخگویان مورد آزمون (پیش‌آزمون) قرار گرفت و پس از استفاده از نرم‌افزار spss پایایی آن به وسیله‌ی آلفای کرونباخ ارزیابی شده است (برای آزمون ضریب پایایی سؤالات از روش آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است).

یافته‌های تحقیق

پژوهش در بخش توصیفی نشان می‌دهد که تعداد مردان مورد مطالعه 45 درصد و زنان 55 درصد بوده است. متأهلان 60 درصد و مجردان 30 درصد حجم نمونه را تشکیل داده‌اند و 10 درصد باقیمانده از آن سایرین بوده است. تعداد فرزندان در مطالعه‌ی حاضر نشان می‌دهد که سیاست دولت در دهه‌ی 70 جواب داده و اکنون تک‌فرزندان بیشترین آمار $37,81\%$ را به خود اختصاص داده‌اند. مسکن اغلب افراد مورد مطالعه رهن و اجاره است 48% و این مطلب از آنجا نگران‌کننده است که تعلق محله‌ای در راستای ساکن بودن در یک منطقه مفهوم دارد نه اینکه چند سالی بعد از آن محل به محله‌ای

دیگر رفت. میزان تحصیلات افراد در سطح لیسانس ۵۰٪ و دیپلم ۵ درصد گزارش شده و این نشان آن است که آموزش عمومی به خوبی پاسخگو بوده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد شغل خصوصی با داشتن آمار ۴۵ درصدی و آزاد تجاری با ۳۶ درصد بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند. درآمد بیشتر افراد بین ۱ تا ۱,۵ میلیون تومان است و تنها ۲ درصد افراد، حقوقی بالای ۲,۵ میلیون دارند. از میان اقوام تعداد آذری‌های ساکن پایتخت به ۳۴ درصد رسیده که با اختلاف ۲ درصدی از پارس‌زبانان در رتبه‌ی اول قرار گرفته‌اند. پایگاه اجتماعی مردم از نظر خودشان با چنین نتایجی محاسبه شده است: پایگاه پایین ۳۲٪، پایگاه متوسط ۴۲٪ و پایگاه بالا ۲۶٪.

به منظور مقایسه‌ی مقادیر میانگین محله‌محوری در محلات مختلف، با استفاده از تحلیل واریانس یک‌طرفه، هریک از شاخص‌ها را آزمون نمودیم. نتایج این آزمون در جدول زیر آمده است. مقادیر معناداری آزمون نشان می‌دهد که تمام شاخص‌های پیامدهای محله-محوری در میان محلات مختلف دارای میانگین یکسان است.

جدول ۱: نتایج تحلیل واریانس آزمون معناداری تفاوت میان میانگین محله‌محوری در محلات مختلف

مقدار معناداری	F	میانگین آزادی	درجه‌ی آزادی	مجموع مربعات	
۰,۸۸	۰,۲۲	۰,۰۶	۳	۰,۱۲	احساس تعلق
		۰,۲۰	۳۹۶	۷۰,۱۷	
			۳۹۹	۷۰,۲۹	
۰,۸۳	۰,۳۰	۰,۰۴	۳	۰,۱۸	احساس مسئولیت
		۰,۱۸	۳۹۶	۷۸,۷۸	
			۳۹۹	۷۸,۹۶	
۰,۷۷	۰,۳۷	۰,۰۴	۳	۰,۱۳	رضایتمندی
		۰,۱۱	۳۹۶	۴۴,۸۴	

مقادیر میانگین و انحراف استاندارد پیامدهای محله محوری در جدول زیر آمده است. تمامی شاخص‌ها دارای میانگین تقریبی ۲,۵ هستند و این مقدار نمایانگر این مطلب است که محله محوری در سطح متوسط قرار دارد.

جدول ۲: مقادیر میانگین و انحراف استاندارد محله محوری

رضایتمندی		احساس تعلق		احساس مسئولیت		
میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
۲,۹۷	۰,۴۶	۲,۸۲	۰,۳۴	۲,۵۱	۰,۴۲	حکیمیه
۲,۹۹	۰,۴۴	۲,۸۴	۰,۳۴	۲,۵۴	۰,۴۴	ازگل
۲,۹۳	۰,۴۳	۲,۷۹	۰,۳۳	۲,۵۱	۰,۴۲	جنت‌آباد
۲,۹۶	۰,۴۵	۲,۸۱	۰,۳۳	۲,۵۰	۰,۴۱	خانی‌آباد
۲,۹۶	۰,۴۴	۲,۸۲	۰,۳۴	۲,۵۲	۰,۴۲	کل

نتایج تحلیل واریانس محله محوری را با میزان‌های زیر نشان می‌دهد:

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس آزمون معناداری تفاوت میان میانگین محله محوری در محلات مختلف

مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین آزادی	F	مقدار معناداری
۰,۱۲	۳	۰,۰۴	۰,۳۲	۰,۸۱
۴۸,۳۳	۳۹۶	۰,۱۲		
۴۸,۴۴	۳۹۹			

اما در جدول زیر میزان ضریب همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته ذکر شده است:

جدول ۴: همبستگی میان محله محوری و متغیرها

محله محوری		
۰,۶۹۳	ضریب همبستگی	احساس مسئولیت
۰	مقدار معناداری	
۰,۸۰۲	ضریب همبستگی	احساس تعلق

مقدار معناداری	۰	
ضریب همبستگی	۰,۹۶۳	رضایتمندی
مقدار معناداری	۰	

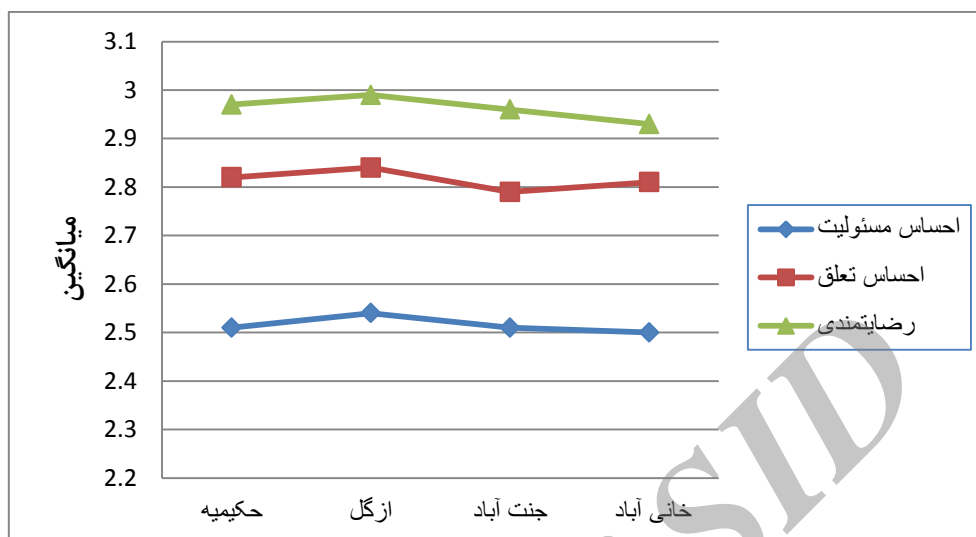
با توجه به مقادیر معناداری همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمام مسیرهای رابطه‌ی رگرسیونی میان متغیرهای پاسخ و مستقل معنادار است. نتایج آزمون نیز نشان می‌دهد که تنها همبستگی (کوواریانس) میان احساس مسؤولیت و رضایتمندی معنادار نیست.

جدول ۵: آزمون ضرایب مسیر معادلات ساختاری

مقدار معناداری	مقدار t	انحراف استاندارد	برآورد ضریب رگرسیونی	
۰,۰۰	۶	۰,۱۴۹	۰,۸۹۲	احساس مسؤولیت - محله محوری
۰,۰۰	۲۲,۱۵۸	۰,۰۴۲	۰,۹۲۴	احساس تعلق - محله محوری
۰,۰۰	۸,۳۹۶	۰,۱۲	۱,۰۰۵	رضایتمندی - محله محوری
۰,۰۰	-۴,۰۳۹	۰,۰۱۸	-۰,۰۷۱	احساس تعلق - احساس مسؤولیت
۰,۰۱۸	۲,۳۶۴	۰,۰۰۴	۰,۰۱	احساس تعلق - رضایتمندی
۰,۸۰۲	-۰,۲۵	۰,۰۰۵	-۰,۰۰۱	احساس مسؤولیت - رضایتمندی

در تحلیل مسیر، رابطه‌ی همبستگی دو متغیره با توجه به تأثیر همزمان متغیرهای دیگر بر آن در نظر گرفته می‌شود. به این ترتیب، ضریب همبستگی میان یک متغیر بر متغیر دیگر، برابر با ضریب تأثیر مستقیم آن متغیر به اضافه‌ی ضریب تأثیر غیرمستقیم آن از طریق یک یا چند متغیر دیگر است.

در نمودار زیر میانگین متغیرها رسم شده است:



نتیجه گیری

نتایج نشان داد که فرضیه ۱ (اینکه بین احساس مسئولیت شهروندی با محله محوری رابطه وجود دارد) تأیید می شود. مطابق جدول که ضرایب مسیر معادله‌ی ساختاری را نشان می دهد مقدار معناداری کمتر از ۰,۰۵ بوده و به این ترتیب می توان احساس مسئولیت را در ارتباط محله محوری دانست. جدول ضرایب مسیر معادله‌ی ساختاری بین احساس مسئولیت و محله محوری عدد ۰,۶۹۳ را نشان می دهد و این ارتباط در حد خوبی ارزیابی می شود.

بین احساس تعلق و هویت محلی با محله محوری رابطه وجود دارد؛ این جمله‌ی خبری فرضیه ۲ تحقیق است. این فرضیه با استناد به نظرات زیمل، جیکوبز، پاتنام و کلمن و در آخر دورکیم طراحی شده است. از نظر دورکیم هرگاه شهروندان احساس تعلق کنند اجتماع اخلاقی فراهم است. جین جیکوبز معتقد است که تمرکز باعث شکل گیری روابط و علایق اجتماعی و انسانی می شود؛ او خواهان اهمیت دادن به نهادها از جهت بار عاطفی، فرهنگی و اجتماعی است. از آنجا که زیمل به خطرهای ناشی از خودبیگانگی عاطفی اشاره کرده است و طبق نظر پاتنام و کلمن سرمایه‌ی اجتماعی از مجموعه هنجارها و ارزش‌های موجود در نظام‌های فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و

سیاسی جامعه منتج می‌شود و این هنجارها و ارزش‌ها حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی و اقتصادی ما است که دارای ویژگی اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی و... است. مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همبستگی میان اعضای یک گروه یا جامعه شکل دهنده‌ی نظامی هدفمند است که باعث دستیابی به اهداف ارزشمند گروه می‌شود.

آزمون ضرایب مسیر معادله‌ی ساختاری نشان می‌دهد که ضریب معناداری میان احساس تعلق و محله‌محوری صفر بوده و رابطه تأیید می‌گردد. ضریب مسیر احساس تعلق و محله‌محوری ۰٫۸۰۲ گزارش شده است.

فرضیه‌ی سوم تحقیق چنین است: بین رضایتمندی اجتماعی شهروندان با محله‌محوری رابطه وجود دارد. در این فرض رضایتمندی اجتماعی در قالب نظریه‌ی پارسونز قرار می‌گیرد که کنشگران برحسب گرایش به "رضای مطلوب" برانگیخته می‌شوند. اساسی‌ترین خصلت نظام رابطه‌ی پیوسته اجزا و متغیرهاست، ساختار کوچک شهری در یک کل پیوسته با مدیریت شهری قرار دارد. بر اساس تئوری‌های رفتارگرایی اجتماعی، هرچه فرد از خدمات و امکانات محیط زندگی خود رضایت داشته باشد، میزان گرایش او به آن محیط و همچنین مسؤولیت‌پذیری وی افزایش خواهد یافت. نتایج آماری نشان می‌دهد شاخص رضایتمندی بیشترین ارتباط را از میان تمامی شاخص‌ها، با متغیر وابسته که مورد سنجش است دارد. ضریب مسیر عدد ۰٫۹۶ را نشان می‌دهد. آزمون ضرایب مسیر معناداری ۰ نشان می‌دهد و ارتباط تأیید می‌شود.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که محله‌های مورد بررسی تهران با مشکلات و نارسایی‌هایی رو به رو هستند. سرعت افزایش مهاجرت و نیاز به گسترش کالبدی، در کنار ضعف در برنامه‌ها و مدیریت شکل‌گیری بافت‌ها و محله‌های شهری و همچنین عدم تعادل در قیمت زمین، عدم توجه به ایجاد تسهیلات عمومی به نسبت میزان گسترش بافت‌های مسکونی و تعداد جمعیت ساکن در محله‌ها، از جمله دلایل این نارسایی‌ها محسوب می‌شوند. مبانی نظری بر این نکته تأکید دارد که وجوه اشتراک اجتماعی و فرهنگی، مهم‌ترین زمینه در تعریف محله است. همچنین وجود فضاها و فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان مرکز و قلب

تپنده‌ی محله‌ها در انسجام محله‌ای تأثیر بسزایی دارد. وجود فضاهای باز و سبز، کاربری زمین مطلوب، تأسیسات آموزشی و فرهنگی کافی، سلسله‌مراتب مناسب راه‌ها، امکان تردد پیاده، وجود فضاهای مرتبط با امکان ملاقات ساکنان، مرکز خرید متناسب با نیازمندی‌های روزمره، به همان اندازه اهمیت دارد که از دیدگاه مدیریتی این محله‌ها نیازمند وجود سلسله‌مراتب اجتماعی، شوراهای منتخب محله‌ای و زمینه‌سازی برای مشارکت انواع اقشار ساکن در محله در تقویت صمیمیت‌ها و وجوه مشترک هستند.

مبانی نظری بر این نکته اشاره دارد که محله‌ها باید بر مبنای شرایط محیطی خود شکل گرفته و هر محله شخصیت و هویت اجتماعی ویژه‌ی خود را داشته باشد. حفظ محله‌ها از نظر انسجام اجتماعی در برابر انواع عوارض ناشی از زندگی صنعتی در شهرها بسیار ضروری است. حفظ سلامت و امنیت در محله و وجود طبیعت سبز و زنده در آن نقش مهمی در سلامت اجتماعی و آرامش ساکنان در کنار یکدیگر دارد. محله‌های تهران، با وجود مشکلات مربوط به خود، بنابر پیشینه‌های فرهنگی و با وجود عدم اعتدال در وجوه نیازمندی‌های عمومی و عناصر کاربری زمین، روابط خود را با وجود عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن‌ها برقرار می‌سازند. نهادهای شهرسازی و شوراهای اجتماعی و مدیریتی شهر باید تلاش کنند که مسائل محله‌ها را با کمک ساکنان آن‌ها حل کنند. چگونه حل کردن این مسائل به اندازه‌ی خود این مسائل اهمیت دارد. سازمان‌های اداری شهر، برنامه‌ریزان و شهرداری‌ها باید قادر به حل این مشکلات باشند. هر یک از محله‌های شهر مانند یک دنیای کوچک که دارای ساختار و جمعیت ویژه است، طرح و برنامه‌ی خاصی می‌طلبد. روحیه و کالبد مناسب در تشکیل یک محله‌ی سالم نقش دارد. مشارکت ساکنان در تصمیمات محله‌ای، جامعه‌ی محله‌ای را به سوی مشارکت‌های اجتماعی و مکاری سوق خواهد داد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که طرح نوپای محله‌محوری در تمام محله‌های مورد بررسی توانسته روابط خوبی میان ساکنان برقرار کند. مدیران و البته خود مردم معتقدند برخوردهای چهره به چهره، استفاده از فضاهای عمومی و تعامل، فضای روانی مطلوبی برای ساکنان فراهم خواهد ساخت.

این نتیجه، همگنی درونی است که به هویت‌بخشی فضا منجر می‌شود. فضای هویت‌دار،

افزایش حس تعلق و تداوم حیات اجتماعی - کالبدی را به دنبال دارد. در چنین شرایطی، حس تعاون و همیاری میان افراد افزایش می‌یابد و محیط مطلوب زندگی ارمغان آن خواهد بود. تعلق خاطر به محله، کنترل اجتماعی را شدت می‌بخشد و مشارکت مردمی (به عنوان رمز موفقیت هر طرح و برنامه‌ای)، افزایش می‌یابد.

هرچند در بافت‌های امروزی شهری روابط اجتماعی کم شده و همسایه‌ی مراسم دیروز، مزاحم امروز تلقی می‌شود و همسایه‌های خوب آن‌هایی هستند که از سر بی‌اعتنایی، کاری به کار هم ندارند، به تبع آن بدیهی است که دانه‌های شهری نیز با بی‌تفاوتی کنار هم بنشینند و عرصه‌های زندگی جمعی از نیمه‌خصوصی تا نیمه عمومی محو شوند. آنچه باقی می‌ماند عرصه‌ی خصوصی‌ای بیش از پیش خصوصی شده است.

باید متذکر شد این نهادهای مردمی تلاش می‌کنند تا روابط را تقویت نموده و این ارتباط به صورت نهادینه شکل بگیرد.

از مهم‌ترین تبعات حذف روابط اجتماعی، بیگانه شدن ساکنان یک محله با یکدیگر و با محیط زندگی‌شان است؛ در این بین بی‌تفاوتی شهروندان نسبت به محیط خارج از خانه چندان غیرعادی به نظر نمی‌رسد. حذف سهم مشارکتی شهروندان در اداره‌ی امور مربوط به محله و محول شدن این سهم به نهادهای همگانی به بهانه‌ی خدمات‌رسانی بهتر نیز به این مسأله دامن زده است، اما باید به این «چوب دو سر» - نهاد سرای محله و محله‌محوری - اهمیت داد چون مردم در این زمانه کم اعتماد به بودن در نهادهای مردمی بیشتر از بودن در جمع‌های خصوصی اعتماد می‌کنند. تنها به این وسیله می‌توان مردم را در جمع‌های سالم نگه داشت. سراهای محله محیطی آرام، خودمانی و دنج برای شهروندان است. سراهای محله و مدیران بالا و پایین این نهاد مردمی به موضوع امنیت در محله نگاه ویژه‌ای دارند. برای امن کردن محله‌های مسکونی باید به وجه زندگی جمعی آن توجه کرد. با عنایت به این موضوع، نخستین راهبرد در راستای تأمین امنیت محله‌ی مسکونی، تقویت احساس تعلق ساکنان به آن است.

حضور راحت ساکنان در کنار یکدیگر از راهبردهای تأمین آرامش مردم محله است. امکان فعالیت گروه‌های مختلف اجتماعی در محله و پرهیز از انحصاری شدن عرصه‌های عمومی

توسط برخی از گروه‌های اجتماعی از ضروریات است. این امکان زمانی فراهم می‌شود که ساکنان فضاهای عمومی محله را در امتداد فضای خصوصی خود و بخشی از زندگی‌شان بدانند و به راحتی بتوانند میان فضاهای خصوصی و عمومی شناور باشند.

در این شرایط بافت فراگیر شهری به حوزه‌هایی قابل سکونت تبدیل می‌شود که می‌توان به آن‌ها مفهوم عام محله‌ی مسکونی را نسبت داد ولی چنانچه یک محله‌ی مسکونی از سطح محدود به سطح عمومی و خاص خود نرسد، هویت آن قابل تشخیص نخواهد بود و همواره خطر شبیه شدن به دیگر محلات آن را تهدید و امکان احراز هویت را از آن سلب می‌کند. محلات شهر گرچه حکم اعضای یک پیکر دارند، ولی اگر از یکدیگر تشخیص داده نشوند، فرایند احراز هویت ناتمام خواهد ماند.

مهم‌ترین عامل تشخیص یک محله از محله‌ی دیگر، به عامل کالبد محله برمی‌گردد. تراکم و ساخت و ساز، رنگ و مصالح غالب، از ابتدایی‌ترین موارد به خاطر سپردنی در سطح یک شهر هستند که انتظار می‌رود محله تا حد امکان به آن‌ها وفادار بماند. پس از آن معمولاً قدمت خانه‌ها، سبک ساخت آن‌ها و خط بام فضاهای شهری در یک شهر، ناظر را متوجه خود می‌سازند. این شاخصه‌ها می‌تواند مخاطب عام را به سرعت به سوی تشخیص اینکه محله‌ی مورد بحث در کدام شهر واقع است، هدایت کند. در این میان شاخصه‌های انسانی نیز باید در کنار شاخصه‌های کالبدی به کمک تشخیص بخشی به محله بیایند. میزان و نحوه‌ی حضور ساکنان در سطح محله، نحوه‌ی زندگی شبانه‌ی محله، چگونگی جابجایی افراد در سطح آن و تبلور اعتقادات، باورها و نمادهای مردم شهر در محله، فعالیت‌های ویژه و چگونگی دخل و تصرف و مشارکت ساکنان در استفاده و نگهداری فضاهای محله، آن دسته از کنش‌های ساکنان یک محله هستند که می‌توانند برای ساکنان یک شهر معنادار و معرف "بچه‌محل" های آن موضع باشند؛ همه‌ی این‌ها عواملی هستند که در ذهن یک ناظر خارجی با وجود تماس محدودی که با شهر و محله دارد، می‌توانند نقش بینند. پس باید در محله به آن‌ها توجه شود و تغییرات محله این شاخصه‌ها را تضعیف نکند.

برای تحقق همکاری مردم با سراهای محله باید آگاهی شهروندان را افزایش داد؛ با برگزاری کلاس‌های آموزش شهروندی، پخش کلیپ‌های آموزشی در پارک‌ها، تیزرهای تبلیغاتی و...

می‌توان این آگاهی را افزایش داد و شهروندان را با وظایف خود آشنا کرد. برای ایجاد همبستگی اجتماعی بیشتر در بین افراد محله و ایجاد علاقه بین آنان، راهی که می‌تواند در این مسیر مؤثر باشد تشویق شهروندان به شرکت در هم‌اندیشی‌ها و جلسات تصمیم‌گیری محلی است؛ شناسایی افراد سرشناس و نخبه و یا افراد زحمت‌کش محل و استفاده از تجربیات کاری افراد نیز بی‌تأثیر نیست، همچنین برگزاری مسابقات و اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز می‌تواند مفید واقع شود.

با توجه به مردمی بودن سرای محلات و برای نهادینه کردن اهداف آن‌ها باید رابطه‌ی آن‌ها را با مردم محله مستحکم‌تر کرد تا بتوان از این طریق، حس تعلق محلی را در مردم افزایش داد و زمینه‌ی ارتباط بین مردم و شورایاری بیش‌تر شود تا مردم به مسائل محلی خود حساس باشند و احساس وظیفه کنند و بتوانند مشکلات خود را با شورایاری و مدیر محله مطرح کرده و از آن طریق پی‌گیری کنند.

Archive of SID

منابع

- بهلول، محمدرضا. (۱۳۹۱). *سنجش میزان هویت محله‌ای شهروندان تهرانی و عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه‌ی ارشد دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده‌ی علوم انسانی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین. (۱۳۸۲). *نظریه‌های شهری و پیرامون، تهران: سمت.*
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۹). *سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه‌ی کیان تاجبخش، تهران: پژوهش شیرازه.
- تنهایی، ابوالحسن. (۱۳۸۳). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، مشهد: مرندیز.
- جیکویز، جین. (۱۳۹۲). *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا*، ترجمه‌ی حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: دانشگاه تهران.
- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۹). *مشارکت در اداره‌ی امور شهرها: بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)*، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.
- فیلد، جان. (۱۳۸۸). *سرمایه‌ی اجتماعی*، غلامرضا غفاری، حسین رضائی، تهران: کویر.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۵). *پایان نظم؛ سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن*، عباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
- کلدی، علیرضا. (۱۳۸۱). *بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری منطقه‌ی ۷، فصلنامه‌ی جمعیت، ش ۴۲.*
- کلمن، جیمز. (۱۳۸۶). *بنیادهای نظریه‌ی اجتماعی*، منوچهر صبوری، تهران: نی.
- معیدفر، سعیدی مقدم، غلامرضا. (۱۳۸۹). *نقش هویت محله‌ای در کاهش و کنترل گرایش به رفتارهای نابهنجار اجتماعی در شهر (مطالعه‌ی محله‌های تهران)*، مجله‌ی مسائل اجتماعی ایران سال اول، ش ۲.
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۱). *بازخوانی هابرماس، درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های یورگن هابرماس*، تهران: چشمه.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۸۰). *جهانی‌شدن و آینده‌ی دموکراسی*، ترجمه‌ی کمال پولادی،

تهران: مرکز.

- Haralambos, Mike, and Martin Holborn. (2008) .Sociology: Themes and perspectives. London : Harper Collins publishers.
- Hidalgo & Hernandez .(2001). Psychology, journal of Environmental psychology, volume 21
- Palen, J. (2011). The Urban World. Ninth edition. Oxford: Oxford University Press
- Ritzer, George. (2011). Sociological Theory. Eighth edition. New York: Mac Graw Hill
- Wandersman, P Florin .(2008). Handbook_of community psychology, Citizen participation and community organizations.

Archive of SID